

## واکاوی نقش توسعه موسسات آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی

علیرضا عصاره<sup>۱</sup>، محسن حسینی بیدخت<sup>۲</sup>

### چکیده

فرهنگ مقوله ای بسیار پیچیده است که نقش حیاتی در ثبات و پویایی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه داراست. با توجه به نقش کلیدی فرهنگ، این مقوله گستره ای از فرصتها و تهدیدها را برای حاکمان سیاسی فراهم ساخته است، لذا نقش توسعه موسسات آموزشی به ویژه آموزش عالی در قبال فرهنگ نقشی حیاتی است. مقاله حاضر به دنبال واکاوی نقش توسعه موسسات آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی است. در پژوهش حاضر از روش تحلیلی اسنادی از رویکردهای پژوهش کیفی در فلسفه تعلیم و تربیت بهره گرفته شده است. از این منظر به منظور واکاوی نقش توسعه موسسات آموزش عالی در قبال تهاجم فرهنگی ابتدا مفهوم فرهنگ و تهاجم فرهنگی مورد واکاوی قرار گرفته و سپس نقش توسعه موسسات آموزشی در این فرایند مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته های پژوهش راهکارهای در سه حوزه معرفی می نماید؛ شناخت اهداف، ابزار و شیوه های نفوذ فرهنگی، تدوین برنامه های استراتژیک فرهنگی، نقد و گسترش عناصر فرهنگی.

**کلید واژه ها:** فرهنگ، تهاجم فرهنگی، تبادل فرهنگی، فرهنگ پذیری، آموزش عالی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۳/۲۱

<sup>۱</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

<sup>۲</sup> دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (نویسنده مسؤل) Email: smhoseini53@yahoo.com

## مقدمه

امروزه با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، نفوذ و سلطه و به دست آوردن مستعمرات از راه لشکرکشی‌های نظامی، به آسانی امکان‌پذیر نیست و در صورت اجرا هزینه‌های زیادی را بر مهاجمان تحمیل می‌کند؛ به همین سبب، بیش از یک قرن است که استعمارگران روش نفوذ در کشورها را تغییر داده‌اند. این کشورها معمولاً اجرای مقاصد خود را با عناوین تبلیغ مذهبی، رواج تکنولوژی، ترویج زبان، انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت، سوادآموزی، یا به نوعی از طریق سیاست‌های فرهنگی و فرهنگ‌پذیری انجام می‌دهند. هرچند نمی‌توان این عناوین را از نظر نوع دوستی و انسانیت مورد تردید قرار داد، ولی تاریخچه‌ی این روابط و خدمات نشان داده است که اگر این برنامه‌ریزی‌ها دقیق، آگاهانه و در جهت رشد و بالندگی فرهنگ کشورها نباشد، زمینه‌ی اسارت کامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان را فراهم ساخته است (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۰۱).

بدین ترتیب، استعمارگران، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله‌ی درونی آن است. آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را ارزش‌های متری جلوه دهند و جای‌گزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها سازند و، از این طریق، بدون هیچ دغدغه‌ای به آینده‌ی منافع خود در این کشورها مطمئن باشند. این جمع‌بندی، به ویژه در دهه‌های اخیر، مبنای فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ی گسترده‌ای قرار گرفته که غرب آنها را ترویج معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می‌کند؛ اما در فرهنگ ملت‌ها، از این اقدامات با تعبیر مختلفی یاد می‌شود که مفهوم مشترک آنها در تعبیر هجوم فرهنگی نهفته است (خرم، ۱۳۷۸: ۱۵).

جایگزینی فرهنگ بیگانه از طریق کم‌رنگ کردن فرهنگ ملی، که اغلب به شکلی هوشمندانه انجام می‌پذیرد و عامل بیگانگی یک ملت با فرهنگ خویش و پذیرش فرهنگ بیگانه را سبب می‌شود "تهاجم فرهنگی" گویند. میشل پانوف<sup>۱</sup> در کتاب فرهنگ جامعه‌شناسی در توضیح اصطلاح فرهنگ‌پذیری به تسلط و استعمار فرهنگی اشاره کرده و می‌گوید: "این اصطلاح را از اواخر قرن گذشته انسان‌شناسان انگلیسی‌زبان به کار بردند و مراد از آن تعیین پدیده‌هایی است که از تماس مستقیم و ادامه‌دار بین دو فرهنگ مختلف نتیجه می‌شوند و از تبدیل یا تغییر شکل یک یا دو نوع فرهنگ، در اثر ارتباط با یکدیگر، حکایت می‌کند؛ بنابراین، مراد از فرهنگ‌پذیری، جنبه‌ی ویژه‌ای از فرایند انتشار آن است. امروزه فرهنگ‌پذیری - گاهی در معنای محدودتر - به تماس‌های خاص دو فرهنگ که نیروی نامساوی دارند، اطلاق می‌شود؛ در این صورت، جامعه‌ی غالب که هماهنگ‌تر و یا از نظر تکنیک مجهزتر است - معمولاً از نوع جوامع صنعتی - به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به فرهنگ حاکم تحمیل می‌گردد. این محقق در تعبیری دیگر از این تهاجم در حالتی که به شکلی گسترده‌تر، تمام عناصر فرهنگ مورد هجوم را از بین می‌برد و فرهنگ مهاجم را جای‌گزین می‌سازد، به "قوم‌کشی" یا "قومیت‌کشی" تعبیر می‌کند و می‌نویسد: "هنگامی که فرهنگ غالب در انهدام ارزش‌های اجتماعی و روحیات سنتی جامعه‌ی مغلوب و برای گسستگی و سپس نابودی آن می‌کوشد، واژه‌ی قوم‌کشی را - که به تازگی رایج شده - به کار می‌برند تا القای اجباری فرایند "فرهنگ‌پذیری" را از طریق فرهنگ غالب در یک فرهنگ دیگر (مغلوب) توصیف کنند. در گذشته جوامع صنعتی قوم‌کشی را با تظاهر به اینکه هدفشان از همانندسازی، ایجاد "آرامش" یا "تغییر شکل" در "جوامع ابتدایی" یا "عقب‌مانده" است، اجرا نموده و بازهم اجرامی کنند. این عمل معمولاً تحت عنوان اخلاق، رسیدن به کمال مطلوب در پیشرفت و... صورت می‌گیرد (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۸-۱۷).

با توجه به نقشی که فرهنگ در قبال انسجام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع دارد، رقابت بسیاری برای انتشار فرهنگ سازگار با منافع و سیاست‌های کلان حاکمان سلطه طلب ایجاد شده است. رشد تکنولوژی و فرو ریختن مرزهای اطلاعاتی به منزله تهدیدی برای جوامع غافل و فرصتی برای کشورهای آگاه شده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تهاجم فرهنگی را یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی، برای رسیدن به مقاصد خاص، اسارت یک ملت و هجوم به بنیان‌های فرهنگی آن ملت می‌داند. در این

<sup>۱</sup> - Michael panoff

فرایند، باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جای‌گزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳). به نقل از سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، (۱۳۹۲: ۳). با توجه به اهمیت فرهنگ و نقش کلیدی آن در رشد توسعه سیاسی و اقتصادی و ترسیم سیاست‌های کلان نظام، پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش موسسات آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی است.

فرهنگ مقوله‌ای پیچیده است که دارای ابعاد و عناصری مختلف است، تعاریف متعدد و گوناگونی نیز از آن بعمل آمده است که هر کدام از این تعاریف جنبه‌ای از فرهنگ را مورد توجه قرار داده است که می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی جامعه مورد توجه باشد. موسسات آموزشی به ویژه دانشگاه در قبال فرهنگ بطور عمده سه وظیفه انتقال، نقد و توسعه را دارند (شریعتمداری، ۱۳۹۲). فرهنگ هر کشور در رفتار و تعاملات مردم به ویژه نسل جوان آن جامعه هویدا است. نقش موسسات آموزشی انتقال فرهنگ به همراه نقد و توسعه آنست. نسل جوان باید آگاهانه و از روی تعقل در خصوص چالش‌های پیش رو تصمیم‌گیری نماید. دانشگاه مظهر فرهنگ و دانش هر ملت و دولتی است. فرهنگی که آئینه ملت و دانشی که زمینه ساز رشد و ترقی جامعه است. دانشجو به عنوان نماینده‌ای از نسل جوان ملت که آینده ساز جامعه خویش است همواره مورد توجه مسئولین و سیاست‌گذاران نظام قرار دارد، چرا که بی‌توجهی به این قشر عظیم تبعات جبران‌ناپذیری را خواهد داشت. چرا که در این صورت زمینه ایجاد از خود بیگانگی فرهنگی و پذیرش فرهنگ بیگانه را در جامعه ایجاد می‌نماید. در شرایطی که مرزهای ارتباطی فرو ریخته است و محدودیتهای زمانی و مکانی در تعاملات فرا ملی از بین رفته است، وظیفه برنامه‌ریزان فرهنگی در ایجاد فرصتهای رشد و توسعه فرهنگ متناسب با سیاستها ارزشهای حاکم بر جامعه چیست؟ با توجه به اهمیت موضوع مقاله حاضر به دنبال واکاوی نقش توسعه موسسات آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی است.

#### پرسش‌های پژوهش: ۱- بررسی مفهوم فرهنگ و تهاجم فرهنگی

#### ۲- بررسی نقش توسعه موسسات آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی؟

#### مفاهیم اساسی

**فرهنگ:** فرهنگ مقوله‌ای پیچیده است که دارای ابعاد و عناصری مختلف است، تعاریف متعدد و گوناگونی نیز از آن بعمل آمده است. در تعریف فرهنگ به طور معمول به عباراتی مانند "نظام معنا"، "الگوی معنا"، "نظامی از برداشتها" معنای عمومی و مشترک"، "نوعی جهان بینی"، "برداشت ذهنی از واقعیت"، "نظم ذهنی"، "الگو یا استانداردهای مشترک تفسیر یا ادراک" و از این قبیل برمی‌خوریم (گل محمدی، ۱۳۸۸). این عبارات به ظاهر متفاوت، یک وجه مشترک دارند و آن وجود سلسله‌ای از باورها و اعتقادات عجین شده در انسان است که ضمیر ناخودآگاه او را هدایت می‌کند. ویژگیهای مختلفی برای فرهنگ در نظر گرفته شده است از جمله اینکه، فرهنگ قابل انتقال است، امری اجتماعی است، خشنودی بخش است، وحدت و یگانگی می‌آفریند، امری ذهنی و تصویری است، سازگاری می‌آورد، ویژگی خود تطبیقی دارد. اگر در جایی قرار گرفت تلاش می‌کند تا محیط را با خود سازگار و همراه کند. فرهنگ از نظر جامعه‌شناسی کلیه رفتارهایی است که در زندگی اجتماعی آموخته شده و از طرق گوناگون بین نسلهای مختلف یا افراد یک نسل انتقال پیدا کرده است. دکتر شریعتمداری در کتاب جامعه و تعلیم و تربیت خویش فرهنگ را اینگونه تعریف نموده اند:

"فرهنگ یک جامعه عبارت است از افکار، عقاید، آرزوها، مهارتها، ابزار و وسایل، امور مربوط به زیبایی و کارهای هنری، آداب و رسوم و موسساتی که افراد این اجتماع در میان آنها تولد و رشد یافته می‌کنند." فرق میان فرهنگ و جامعه این است که جامعه مرکب از افراد است، در صورتی که فرهنگ شامل امور و اشیایی است که انسان بتدریج آموخته، خلق کرده و به آنها پی برده است.

اصطلاح «فرهنگ»<sup>۱</sup> در مفهوم جامعه شناختی و مردم شناختی آن نخستین بار به وسیله مردم شناس انگلیسی، ادوارد بارنت تایلر<sup>۲</sup> در سال ۱۸۷۱ در کتابی تحت عنوان «فرهنگ نخستین»<sup>۳</sup> به کار رفت. وی فرهنگ را مجموعه ای در هم تافته می داند که دربر گیرنده دانستی ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و عادت و هرگونه توانایی دیگری می داند که انسان به عنوان فردی اجتماعی که در جامعه انسانی زندگی می کند به دست می آورد. در تعریف تایلر از فرهنگ نقش تعاملات اجتماعی<sup>۴</sup> در نظر گرفته شده است اما دیدگاه وی امکان بررسی مفهوم فرهنگ از دیدگاه های مختلف را برای اندیشمندان این حوزه ها فراهم ساخت. آشوری (۱۳۵۷) حدود نود و سه تعریف از فرهنگ را مورد تحلیل قرار داده و آنها را در شش حوزه تشریحی یا توصیفی، تاریخی، هنجاری، روانشناختی، ساختاری و تکوینی طبقه بندی نمود (وثوقی، ۱۳۹۰).

در تعاریف توصیفی یا تشریحی<sup>۵</sup> بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ، مانند زبان، نظام مالکیت، ادب، مصنوعات، هنر، مانند آن تاکید شده است. در تعریف تاریخی، فرهنگ به عنوان میراث اجتماعی و تاریخی تلقی می شود. رالف شین در تعریف هنجاری بر قواعد و راه و روش های زندگی متکی است. هرسکووتیس<sup>۶</sup> معتقد است: «فرهنگ راه و روش اقوام در زندگی است. اما در تعریف روانشناختی یانگ فرهنگ را صورت های رفتار عادی مشترک در یک گستره اجتماعی یا جامعه می داند که متشکل از عوامل مادی و غیر مادی است. در تعریف ساختاری<sup>۷</sup>، ویلی<sup>۸</sup> فرهنگ را نظامی می داند از الگوهای عاداتی و پاسخگویی که با یکدیگر همبستگی دارند. در تعریف تکوینی<sup>۹</sup> فرهنگ به عنوان فرآورده انسان در نظر گرفته می شود. به طور مثال کلاکس<sup>۱۰</sup> با نگاه فرهنگ را بخشی از محیط می داند که آفریده دست انسان است<sup>۱۱</sup>. در کنار این شش حوزه که فرهنگ را مورد تحلیل قرار داده است اندیشمندان دیگری همچون سنفلگی، جان، شارکی و لابی<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۹) فرهنگ را از نگاه دیگری مورد بررسی قرار داده اند. آنها فرهنگ را از بعد درون فردی و برون فردی<sup>۱۳</sup> تحلیل کرده اند. نوع اول همان گونه است که فرهنگ ذهنی نیز خوانده شده است، هافست<sup>۱۴</sup> آن را نرم افزار ذهن<sup>۱۵</sup> انسان، اعتقادات، ارزش ها و الگوهای درونی شده ذهن خوانده است. نوع دوم شامل محیط ساخته انسان است که شامل آنچه انسان از قبیل مؤسسات هنرهای مختلف ساخته است، می شود. (شارع پور، ۱۳۹۱)

**خصوصیات فرهنگ؛ تهدید یا فرصت:** خصوصیات فرهنگ متعدد است و تنها با توسل بر پیکره عناصر می توان به شناخت عمیق آن دست یافت. فرهنگ ویژگی های بارز و قابل توجهی دارد که می تواند در برنامه ریزی ها مورد توجه متولیان امر قرار گیرد. فرهنگ اکتسابی است؛ یعنی موروثی نیست و از راه آموختن و تجربه کسب می شود. لذا این هم فرصت است هم تهدید. فرصت است برای برنامه ریزی متناسب با نیازهای جامعه و جوانان، تهدید است، اگر مسئولین و متولیان امر نسبت به آن غفلت نمایند شرایط را برای ورود و پذیرش فرهنگ بیگانه که بنیانهای ارزشی جامعه را هدف قرار داده آماده می سازد.

فرهنگ اشتراکی است؛ زیرا که ماهیتی اجتماعی دارد و حاصل تعاملات اجتماعی است که افراد در آن سهم هستند. انسان ذاتا موجودی اجتماعی است بر همین اساس هم از جامعه و اجتماع خود تاثیر می پذیرد و هم بر آن تاثیر می گذارد. لذا اگر بنیان های

<sup>1</sup> - culture

<sup>2</sup> - Edward Barnet Taylor

<sup>3</sup> - primitive culture

<sup>4</sup> - social interactive

<sup>5</sup> - Descriptive

<sup>6</sup> - Hershevits, melvsllle.J

<sup>7</sup> - Young

<sup>8</sup> - Structural

<sup>9</sup> - willy

<sup>10</sup> - Genetics

<sup>11</sup> - Kluckhohn

<sup>12</sup> - singlesi, bond, Sharkey and lai (1999)

<sup>13</sup> - inside individuals and outside

<sup>14</sup> - Hofstede (2001)

<sup>15</sup> - software or human mind

ارزشی جامعه مورد هدف و آماج هجوم فکری و فرهنگی قرار گیرد و بستر سازی لازم برای مقابله هوشمندانه با چنین تهاجمی فراهم نباشد، جامعه به سرعت عناصر فرهنگی غریب و سلطه طلب را در میان اقشار هدف گسترده می بیند. فرهنگ جایگزین پذیر است؛ فرهنگ قابلیت انتقال و تطبیق دارد. اگر در برنامه ریزهای فرهنگی تنها به انتقال فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه توجه شود، جامعه دچار سکون و رخوت می شود. جامعه پویا جامعه ای است که در آن فرهنگ علاوه بر انتقال مورد نقد قرار گرفته و با عناصر جدید فرهنگی که منطبق بر ارزشهای حاکم بر جامعه است موجبات رشد و پویایی جامعه فراهم گردد. چه در غیر اینصورت با سکون و رخوت فرهنگی افراد جامعه به ویژه قشر جوان که سر سودایی داشته و شور جوانی، جامعه هدف برای تهاجم فرهنگ بیگانه شده و پس از مدتی بنیان های ذهنی و فکری در میان جوانان نفوذ می کند که درمان آن به مراتب سخت از پیشگیری آن است.

**تهاجم فرهنگی:** تهاجم فرهنگی حرکتی است مرموزانه، حساب شده، همراه با برنامه ریزی دقیق که با به کارگیری شیوه های متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش ها، انحراف اندیشه ها و تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر یک جامعه انجام می گیرد. تهاجم فرهنگی هجومی است از سوی یک نظام فرهنگی خاص به نظام فرهنگی دیگر که از طریق شیوه ها و ابزارهای خاص نرم افزاری به صورتی یک جانبه و ناگهانی صورت می گیرد و هدف اساسی آن جایگزینی ارزشها، روش های زندگی، اخلاقیات و نظام فکری فرهنگی مهاجم به جای ارزش ها و عقاید، روش زندگی و نظام فکری مکتب هدف صورت می گیرد. تهاجم فرهنگی یعنی تهی کردن جامعه از ارزشها و فرهنگی خود و مستعد شدن جهت پذیرش فرهنگ بیگانه.

تهاجم فرهنگی به معنای هجوم به بنیان های فرهنگی و نظام فکری یک ملت به منظور دست یابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در این هجوم باورهای تازه و جذاب به گونه ای ظاهر می شوند که افراد جامعه نا آگاهانه نسبت به آنها جذب شده و ارزشهای درونی خود را سست شده و جایگزین شده می بینند. (امیری، ۱۳۸۹، ۳۴-۳۳)

**فرهنگ و سیاست:** اساساً "تهاجم فرهنگی" در مقایسه با تهاجم نظامی یا اقتصادی، دارای ویژگی های منحصر به فردی است. تهاجم فرهنگی معمولاً نامرئی و نامحسوس است؛ دراز مدت و دیرپاست؛ ریشه ای و عمیق است؛ همه جانبه است؛ حساب شده و دارای برنامه و ابزارهای گسترده است؛ گسترده و فراگیر است؛ کارساز و خطرناک است. علاوه بر اینها، "تهاجم فرهنگی" همانند کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سر و صداست و قربانیان آن بیش تر قشر جوان هستند (ریاحی، ۱۳۹۰).

در تهاجم نظامی، دشمن با تجهیزات و امکانات نظامی وارد معرکه می شود، اما در "تهاجم فرهنگی" نیازی به لشکرکشی و هزینه های هنگفت نظامی نیست؛ هم چنین دشمن در این تهاجم برای تحمیل حاکمیت فرهنگ خود از همه ی حربه های سیاسی - اقتصادی، نظامی، روانی و تبلیغاتی بهره می گیرد. در "تهاجم نظامی" تنها بخشی از مرزها و سرزمین های مجاور در تیررس مستقیم دشمن قرار می گیرد، اما در "تهاجم فرهنگی" سلاح های مخرب دشمن تا عمق خانه ها پیش می رود و ذهن و قلب انسان ها را نشانه می گیرد. به همین دلیل است که پس از جنگ جهانی دوم، آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام کرده بود که: بزرگ ترین جنگی که در پیش داریم جنگی است برای تسخیر اذهان انسان ها (هدایتخواه، ۱۳۷۷).

با توجه به اهمیت فرهنگ در تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین رشد فناوری اطلاعات و فرو ریختن مرزهای ارتباطی، فضا برای هجوم و هدف قرار دادن فرهنگ کشورهای غافل فراهم می شود. نفوذ فرهنگی، نفوذی آرام و مستمر است که بدون ایجاد حساسیت های هجوم نظامی، ذهن و ارزشهای یک جامعه را به تسخیر آورده و سلطه طلبی خود را بر افراد مختلف جامعه دیکته می نماید. قریب (۱۳۹۰) به نقل از پوراحمدی عنوان می کند که رابطه فرهنگ و سیاست مدت ها مورد غفلت واقع شده بود تا اینکه "ایوشومی" فرهنگ را دارای بعد سیاسی عنوان کرد چرا که فرهنگ در پشت تمام کنش های فردی و اجتماعی پنهان است و همانگونه که بر رفتار اجتماعی تاثیر گذار است بر رفتار سیاسی هم تاثیر گذار است. با این حال سالها طول کشید تا

چگونگی رابطه سیاست و فرهنگ و تاثیر فرهنگ بر روی کنش های سیاست خارجی و رفتارهای بین المللی کشورها در عرصه سیاست جهانی طرح شود. از این رو محققانی چون ریمون آرون، مارسل مرل، استانلی هافمن و .. تلاش کردند تا فرضیاتی پیرامون تاثیر خلق و خوی ملتها و نقش هنجارها و ارزش های ملی و فرهنگی مطرح کنند. برخی از محققان حوزه فرهنگ بر این باورند که تاثیر فرهنگ نه تنها در سیاستهای خارجی و رفتارهای بین المللی بلکه بر جنگ و دفاع هم تاثیر گذار است. بر همین اساس در نگاه ایجابی به امنیت ملی، فرهنگ بنیاد امنیت و چستی آن را تشکیل می دهد. مفهوم فرهنگ در این نگاه همان مفهوم فرهنگ و تمدنی است که در دیدگاه امثال هانتینگتون، فوکویاما و الوین تافلر و .. در نظریه هلی فرهنگ و روابط بین الملل آمده است. این نگاه تهدید عینی، بیرونی را نتیجه تحولات درونی و داخلی دانسته و راه دست یابی به امنیت را از طریق فرهنگ می داند. اعتقاد بر این است، در کشوری که یک گفتمان مسلط و واحد فرهنگی وجود داشته باشد و یا یک تصویر و ادراک مشترک از تولیدات و توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شکل گیرد، تاثیر تهدید نظامی و بیرونی منتفی است (قربی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

**تهاجم فرهنگی و سیاست های کلان نظام:** توجه به این واقعیت مهم است که شکل گیری هر فرهنگی همواره به صورت تدریجی در بستر جامعه انجام می گیرد و اندکی تسامح و غفلت در شناخت حرکت و اهداف فرهنگی دشمن به او امکان نفوذ از مرزهای نامریی را خواهد داد. بر همین اساس کشورهای آگاه در سیاستگذارهای کلان خود با شناخت ویژگیهای فرهنگ، بنیان های فکری و اعتقادی جامعه را تقویت می نمایند. فرهنگ همواره یکی از نگرانیهای مقام معظم رهبری است که در فرصتهای مختلف این موضوع را مورد توجه قرار داده اند. ایشان در سال ۱۳۶۹ در روز وحدت حوزه دانشگاه در جمع طلاب و دانشجویان فرمودند؛

"استعمارگران اولین را اشاعه شهوات و باز کردن راه شهوت رانی را فساد فکری - علمی و جنسی و ابتدال در زندگی انتخاب کرده اند که این یک جریان فرهنگی محض است. دومین را انتخابی آنها بنا نموده دانشگاه ها بر اساس و پایه بی اعتقادی است، زیرا قصد داشتند نسلی پرورش دهند تا آینده کشور را چه از لحاظ اداره و چه از لحاظ سازندگی به دست گیرند. ولی به دین اعتقادی نداشته باشند. امروز دشمن بیشترین همت خود را روی تهاجم فرهنگی گذاشته است. تهاجم فرهنگی چیز جدیدی نیست، آنچه جدید بود روش های نوینی بود که در داخل کشور شروع شده بود و هنوز هم سایه افکنده، عده ای برای انحلال آن اقدام کرده اند."

### عوامل تهاجم فرهنگی

مسگر نژاد، (۱۳۸۳) عوامل تهاجم فرهنگی را به دو دسته تقسیم کرده است،

**الف) عوامل برونزا:** زمینه ها، عناصر و ابزاری که به نحوی ردپای کشورهای خارجی (غربی) در آنها دیده می شود عوامل برونزا هستند؛ از جمله: اعزام مستشرقین، تلاش برای دین زدایی از طرق مختلف، ایجاد روحیه خودباختگی فرهنگی، ساخت و فروش وسایل ارتباطی، نظیر ماهواره و ویدئو و ... . سیاست گزاران و طراحان کشورهای سلطه جو این عوامل را طراحی و برنامه ریزی می کنند و افراد داخلی آن را به اجرا درمی آورند.

**ب) عوامل درونزا:** زمینه ها، عناصر و ابزاری که ریشه ی داخلی داشته و غیرمستقیم یا مستقیم به پذیرش تهاجم فرهنگی از خارج به داخل کمک می کنند عوامل درونزا هستند؛ از جمله: زمینه هایی هم چون بیکاری، فقر اقتصادی، نابه سامانی خانوادگی، غفلت مسئولین فرهنگی و اجتماعی و نا آگاهی جوانان و نوجوانان و ... (مسگر نژاد، ۱۳۸۳).

### شیوه های تهاجم فرهنگی

در یک نگاه کلی شیوه های تهاجم فرهنگی غرب را نیز می توان از دو بعد خارجی و داخلی مورد توجه قرار داد. در بعد خارجی، مهاجمان با امکانات و موقعیت های مختلفی که در مجامع بین المللی در دست دارند، از طریق شبکه های گسترده ی بنگاه های تبلیغاتی و سخن پراکنی خود می کوشند با عناوینی چون نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، وجود خفقان و سانسور،

نبودن آزادی برای زنان و مطبوعات و نویسندگان، جنگ طلبی، ماجراجویی و... و با حربه‌های شناخته شده و تکراری، تصویری تحریف شده و ناخوشایند از فرهنگ مقابل در اذهان مردم دنیا ترسیم نمایند و طبیعی است که در این راه، زشت‌ترین و شیطانی‌ترین حربه‌ها را برمی‌گزینند.

در بعد داخلی تهاجم فرهنگی غرب در کشورهای اسلامی به دو شیوه زیر رخ می‌نماید:

۱ - ترویج افکار و اندیشه‌های غیراسلامی و حتی ضداسلامی، تبلیغ افکار التقاطی، تقدس زدایی و توهین به مقدسات، سست نمودن پایه‌های اعتقادی جوانان نسبت به برخی از اصول و آرمان‌ها.

۲ - تجددگرایی، علم‌زدگی و عقل‌گرایی افراطی، تلاش در راه تطهیر غرب و غرب‌گرایی، بی‌اعتبار نشان دادن علوم و معارف اسلامی به بهانه‌ی عدم تطابق با دانش‌های نوین بشری، طرح جدایی دین از سیاست، ترویج بی‌حجابی و بدحجابی و پوشش‌های مستهجن و خلاف شئون اسلامی، رواج مدهای غربی و بی‌بند و باری، تهیه و پخش فیلم‌های شدیداً ضد اخلاقی ویدئویی، نوارهای کاست مبتذل از خوانندگان فاسد و توزیع عکس‌های مبتذل در سطح گسترده، تولید و پخش مشروبات الکلی و مواد مخدر در سطح جامعه، چاپ و نشر کتب و مجلات ضد اخلاقی، جنایی، عشقی و رمان‌های مبتذل، تشکیل مجالس لهو و لعب و...، مشتی از خروارها توطئه‌ی دشمن است. ابزار تهاجم فرهنگی تنها محدود به موارد فوق نیست، بلکه تمام موارد فرهنگ‌های مکتوب، شفاهی، عمومی و تصویری نیز از ابزارهای دیگر این تهاجم هستند (مسگرنژاد، ۱۳۸۳).

فرهنگ غربی با استفاده از ابزار فوق تخریب فرهنگ اسلامی را مد نظر قرار داده است. مواردی از قبیل تشکیک در حقانیت دین اسلام، انتشار کتاب‌های ضد دینی مانند آیات شیطانی، نفی مقدسات اسلامی و نیز تحدید دین و تلاش برای حذف دین از عرصه‌ی اجتماع از این موارد به شمار می‌آید (افتخاری، ۱۳۷۷).

دولتها برای ایجاد سلطه دیگر متوسل به روشهای نظامی نمی‌شوند و از طریق تبلیغات به ظاهری موجه ذهن و قلب افراد جامعه هدف را به منظور بهره اقتصادی هدف قرار می‌دهند. (لیوتار، .....). بر همین اساس تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی و تحریف گرایش‌های معنوی و تخریب و نفی هویت ملی، ایجاد گسستگی تاریخی، طرد الگوها و اسوه‌های خودی، تخریب و ترور شخصیت‌های خودی، گسترش روحیه غرب‌گرایی و غرب‌زدگی، ایجاد جریان‌های انحرافی و تفرقه قومی، ترویج فساد و فحشا و منکرات را در ظاهری جذاب و متناسب با برخی نیازهای افراد عرضه می‌نمایند. قربی (۱۳۹۰) شیوه‌های زیر را برای موفقیت در ناتوی فرهنگی مطرح می‌نماید،

الف- تخریب بنیان‌های فکری و اعتقادی؛ برای این منظور جنبه‌هایی از ارزش‌های فکری و اعتقادی شناسایی شده و با بزرگنمایی، و نگاهی انتخابی و محدود، به تخریب این بنیان‌های فکری می‌پردازند.

ب: نفی و اثبات، رسانه‌های بین‌المللی این امکان را برای دولتها فراهم ساخته تا به اشکال مختلف ناکارآمدی حاکمان جامعه هدف را بزرگ نموده و آسیب‌های اجتماعی و سیاسی آن جامعه را بر شمرند، نگاه بر برجسته‌سازی ایدئولوژی جدید بپردازند. ایجاد اختلاف؛ اختلاف، چند دستگی، درگیری‌های قومی و نژادی و مذهبی در سطح ملی و بین‌المللی در آن نظام فکری مانند اسلام زمینه را برای تفرقه و تضعیف فراهم می‌سازد.

د: ایجاد ابهام و تردید در اذهان مردم: دستگاه‌های و رسانه‌های تبلیغاتی با ارائه اطلاعات و اخبار ناقص و شبهه‌انگیز و اغلب نادرست در زمینه رهبران و حاکمان جامعه هدف سعی در ایجاد شک و شبهه در مورد ارزش‌ها و هنجارهای حاکم دارند.

**روش شناسی پژوهش:** در پژوهش حاضر از روش تحلیلی اسنادی از رویکردهای پژوهش کیفی در فلسفه تعلیم و تربیت بهره گرفته شده است. از این منظر به منظور واکاوی نقش توسعه موسسات آموزش عالی در قبال تهاجم فرهنگی ابتدا مفهوم فرهنگ و تهاجم فرهنگی مورد واکاوی قرار گرفته و سپس نقش توسعه موسسات آموزشی در این فرایند مورد تحلیل قرار گرفته است

## بحث و نتیجه گیری

اهمیت توجه به فرهنگ و تهاجم فرهنگی از چند جنبه شایسته توجه است؛ اول اینکه ما شاهد مشکلات فرهنگی قابل توجهی در قشر جوان به خصوص دانشجویان هستیم. دوم اینکه برخی از دانشجویان علاقه زیادی به فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه نشان نمی‌دهند و استقبال محدود آنها از برنامه‌های فرهنگی گویای این ادعاست. بی تفاوتی نسبت به ارزش‌های ملی و مذهبی در آنها می‌تواند آثاری زیانبار برای فرهنگ ملی بدنبال داشته باشد. سوم اینکه برنامه‌های فرهنگی موجود ممکن است از نظر محتوا جذابیت کافی نداشته و برای پرداختن به توقعات دانشجویان سطحی به نظر رسد. با توجه به رشد وسایل ارتباطی و فرو ریختن مرزهای اطلاعاتی زمینه رقابت و سلطه فرهنگی را برای برخی کشور های سلطه طلب فراهم می‌نماید، لذا این مهم، وظیفه مسئولین، برنامه ریزان و متصدیان امور را در توجه به نیازهای جدید دانشجویان که متناسب با تحولات جامعه جهانی بوده و ویژگی‌های فرهنگ ملی و بومی ما را مورد توجه قرار دهد، زمینه رغبت و علاقمندی فرهنگی را برای دانشجویان فراهم سازد، ضرورت توجه به نیازهای فرهنگ غنی اسلام در پاسخگویی نیازهای بشری را افزایش می‌بخشد.

در جهان امروز که نقش و نیروی اجتماعی فرهنگ نسبت به گذشته به مراتب افزونتر شده است، ضرورت هماهنگی و همسویی صاحب نظران و کارشناسان و برنامه‌ریزان هر کشور با نیازهای فرهنگی جامعه نیز بیشتر احساس می‌شود. جامعه پویا جامعه‌ای است که بتواند نیازهای فرهنگی خویش را در رهگذر حیات و حرکت اجتماعی بازشناخته، از تظاهرات و تمایلات کاذب یا گذرا تفکیک کند و قدرت پاسخگویی به این نیازها و بهره‌گیری از آنها را در جهت رشد و کمال معنوی و مادی دارا باشد. بی تردید امروزه اکثر کشورها در پی آن هستند که راهکارهایی بیندیشند تا از تخریب و تضعیف فرهنگ خود از طریق رسانه‌های همگانی هدایت شده توسط غرب بکاهند؛ هرچند کسی منکر این واقعیت نمی‌تواند باشد که در دنیای امروز، کشورها نمی‌توانند دیواری به دور خود بکشند و از برخورد فرهنگ جامعه‌ی خود با فرهنگ‌های بیگانه، در امان باشند، زیرا رسانه‌های همگانی جهان هم‌چون ماهواره‌ها و تکنولوژی اینترنت، مردم دنیا را در جریان آخرین پیشرفت‌ها، مدها، ساخته‌ها، هنرها و غیره قرار می‌دهند. اگر فرهنگ جامعه‌ای توان خود را از دست بدهد و اگر مردمی از فرهنگ خود گسسته شوند، قدرت درست اندیشیدن از آنها سلب می‌گردد و در این دریای ارتباطات غرق می‌شوند. بر همین اساس موسسات آموزشی به عنوان یکی از متولیان اصلی فرهنگ در قبال آن وظایفی دارند. پیشنهاد می‌شود سه حوزه ذیل در برنامه ریزی‌های فرهنگی توسعه موسسات آموزش عالی مورد توجه مسئولین و برنامه ریزان قرار گیرد؛

### الف: شناخت اهداف، ابزار و شیوه‌های نفوذ فرهنگی

در عصری که امکان ارتباطات بین‌المللی در ابعادی وسیع حتی برای روستاهای دورافتاده کشور فراهم است، غفلت و تسامح از شناسایی ابزارها و اهداف تهاجم فرهنگی اثرات زیانباری را برای جامعه داشته و موجبات برخی جنبه‌های پر زرق و برق فرهنگ سلطه طلب در میان اقشار مختلف مردم به ویژه قشر جوان می‌شود. برای مقابله با دشمن شناخت او گام اول تقابل است. باید با دیدی عمیق، وسیع و خبره ضمن شناسایی اهداف، ابزار و راهکارهای نفوذ فرهنگی، باید خوراک فکری و فرهنگی مورد نیاز مردم به ویژه جوانان برای آنها ارائه شده تا ضمن پاسداشت ارزشهای حاکم با دیده تعمق، تفکر و نقد در برابر هجوم عناصر فرهنگی مقابله نماید. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود جلساتی در دانشگاه‌ها به منظور تحلیل فرهنگ ملی و فرهنگ غرب برگزار گردد و در سایه تعقل و صبوری دیدگاه‌های مختلف مطرح و با نتیجه منطقی توأم گردد

### ب) تدوین برنامه‌های استراتژیک فرهنگی

پس از شناخت اهداف، ابزار و راهکارهای هجومی دشمن لازم است برای تقابل با برنامه‌ای دشمن، برنامه ریزی استراتژیک تدوین نمود. برنامه ریزی استراتژیک امکان پیش‌بینی راههای نفوذ و همچنین راه‌های مقابله فراهم می‌سازد. در برنامه ریزی



استراتژیک دورنما یا چشم اندازها<sup>۱</sup> تعریف شده ، بر اساس آن ماموریتها<sup>۲</sup> مشخص ، و بر اساس این ماموریتها اهداف در سه سطح غایی<sup>۳</sup> ، کلی<sup>۴</sup> و فرعی<sup>۵</sup> طراحی می شود.

### ج) نقد و گسترش عناصر فرهنگی

به منظور پویایی جامعه و تحول و پیشرفت باید در جامعه علاوه بر انتقال فرهنگ به دنبال راهکارهای منطقی برای نقد ، گسترش و خلق عناصر جدید نیز بود. در غیر اینصورت باید به صورت واکنشی مدام در فکر خنثی سازی هجوم عناصر فرهنگی به ظاهر جذاب اما به باطن سلطه طلب بیگانه بود. تقویت کمی و کیفی تولیدات فرهنگی توسط رسانه‌های جمعی داخلی؛ تأثیر رسانه‌ای خودی در مبارزه با تهاجم فرهنگی امری قطعی و انکارناپذیر است. لیکن مادام که ما به کاربرد رسانه‌ها، تکنولوژی اطلاع‌رسانی، هنر و فن پیام‌رسانی و خلاصه با شیوه‌های امروزیین اطلاعات و تبلیغات آشنا نباشیم، نمی‌توانیم با مخاطبان خود ارتباطی منطقی و نتیجه‌بخش برقرار کنیم؛ بنابر این آشنایی با پیشرفته‌ترین روش‌های تبلیغ از قبیل روان‌شناسی تبلیغ و شناسایی افکار عمومی در مباحث روان‌شناسی اجتماعی و آخرین مباحث طرح شده در جامعه‌شناسی ارتباطات باید مدنظر قرار گیرد. از سوی دیگر، رسانه‌های ما نباید تنها به پاسخگویی و رفع ابهام در قبال تهاجم فرهنگی دشمن اکتفا کنند، بلکه باید با نگاهی جهانی تلاش کنند که به نوعی، تهاجم و تولید در تبلیغ را وجهه‌ی همت خویش قرار دهند.

### منابع

۱. اکبریان ، رضا (۱۳۸۶) بررسی نقش فرهنگ در اقتصاد ، ماهنامه مهندسی فرهنگی ، سال دوم ، شماره ۱۶
۲. افتخاری ، اصغر (۱۳۸۹). برتری قدرت نرم ، بازخوانی نظریه جهاد در قرآن کریم
۳. امیری ، ابوالفضل (۱۳۸۹) تهدید نرم؛ تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی ؛ تهران : نشر پگاه
۴. استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰). نظریه‌های فرهنگ عامه ، ترجمه‌ی ثریا پاک‌نظر، چاپ اول، تهران: گام نو.
۵. پانوف، میشل و میشل پرون (۱۳۶۸). فرهنگ مردم‌شناسی ، ترجمه‌ی علی‌اصغر عسکری خانقاه، چاپ اول، تهران: انتشارات ویس.
۶. پور احمدی ، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران، قم ک نشر نی
۷. پور افکاری و دیگران (۱۳۹۲) نقش فرهنگ سازی احترام به افکار عمومی در توسعه اجتماعی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره چهارم.
۸. خرم، مسعود (۱۳۷۸). هویت، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات حیان.
۹. ریاحی، محمدرضا (۱۳۹۰). ایرانو آمریکا، توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه ؛ تهران ، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما
۱۰. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲). زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
۱۱. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، (۱۳۹۲). چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۲. شارع پور ، محمود (۱۳۹۱). جامعه شناسی آموزش و پرورش ، تهران : انتشارات سمت
۱۳. شاهرودی ، علی (۱۳۸۹). ناتوی فرهنگی و رسالت ما ، در برابراندازی نرم و ناتوی فرهنگی ، قم : پژوهشکده تحقیقات اسلامی
۱۴. شریفی ، احمد حسین (۱۳۸۹). جنگ نرم ، قم : انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۱۵. شریعتمداری ، علی (۱۳۹۲) اصول و مبانی فلسفه تعلیم و تربیت ؛ تهران : انتشارات امیر کبیر
۱۶. شفیع سروستانی، اسماعیل (۳۷۲). تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران ، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات کیهان.

1 - Vision

2 - Mission

3 -Aims

4 -Goals

5 -Objectives

۱۶. قربی، سید محمد جواد (۱۳۹۰). چیستی مفهوم تهاجم و ناتوی فرهنگی و راهکارهایی برای ایران، فصلنامه علمی تخصصی عملیات روانی، ص ۱۴۷-۱۷۰.
۱۷. مسگر نژاد، جلیل (۱۳۸۳). جایگاه ادبیات و علوم ادبی در بازسازی تهاجم فرهنگی، مجموعه مقالات کنفرانس تهاجم فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۶). تهاجم فرهنگی، تحقیق عبدالجواد ابراهیمی، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۹۰). مبانی جامعه شناسی، تهران: انتشارات بهینه
- هدایتخواه، ستار (۱۳۷۷). تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.